

اسناد مجازی

در شعر خاقانی

www.ketab.ir

سرشناسه	: ویسی، الخاص، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: اسناد مجازی در شعر خاقانی/نویسنده الخاص ویسی - نادر کریمی راد- رویا نژادبهبهانی.
مشخصات نشر	: اهواز: پژوهندگان راه دانش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۰ص.
فروست	: پژوهندگان راه دانش؛ ۱۰۲۷.
شابک	: ۹۰۰۰۰ ریال : 978-600-345-022-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: خاقانی، بدیل بن علی، ۵۲۰ - ۵۹۵ق. - نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۶ق. - تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: کریمی راد، نادر، ۱۳۵۵ -
شناسه افزوده	: نژادبهبهانی، رویا، ۱۳۵۰ -
رده بندی کنگره	: الف ۸۸۵/۹ PIR ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	: ۲۳/۱۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۴۵۳۰۳

ناشر : انتشارات پژوهندگان راه دانش

عنوان کتاب : اسناد مجازی در شعر خاقانی

شماره نشر : ۱۰۲۷

نویسنده : دکتر الخاص ویسی - نادر کریمی راد- رویا نژادبهبهانی

چاپ: تورنگ

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۵-۰۲۲-۶

نوبت چاپ : اول ۹۴

قیمت : ۹۰۰۰۰ ریال

ارتباط با ناشر : تهران ۰۹۱۲۸۸۱۴۹۶۹ - ۶۶۱۲۰۵۵۴

اهواز ۰۹۱۶۱۱۸۵۱۱۸ - ۳۲۲۰۲۸۰۲

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲.....	مقدمه :
۴.....	زندگینامه
۵.....	فصل اول:
۶.....	خاقانی (روایتی دیگر)
۶.....	آثار خاقانی.....
۷.....	حامیان خاقانی.....
۷.....	سبک شاعری خاقانی.....
۹.....	ممدوحان خاقانی.....
۱۲.....	اسناد مجازی:.....
۱۶.....	اسناد مجازی از دیدگاه زیبایی شناسی:.....
۱۸.....	اسناد مجازی از دید زبانشناسی:.....
۲۲.....	اسناد مجازی از دید دیگر سخن سنجان.....
۲۲.....	تعریف جلال الدینهمایی از حقیقت و مجاز:.....
۲۳.....	تعریف کزازی از اسناد مجازی:.....

- ۲۵ تعریف فتوحی از زبان مجازی:
- ۲۶ تعریف شفیعیکدکنی از مجاز:
- ۲۶ تعریف مجاز عقلی از دید آهنی:
- ۲۷ اسناد فعل به فاعل غیر حقیقی:
- ۲۷ فاعل، اسم ذات است:
- ۵۰ فاعل اسم معنی:
- ۵۷ اسناد صفت غیر متعارف به موصوف:
- ۵۷ موصوف اسم معنی باشند:
- ۵۹ موصوف اسم ذات باشند:
- ۶۱ اسناد مجازی - اسناد مسند به مسند الیه غیر متعارف و غیر طبیعی:
- ۷۲ حسامیزی:
- ۷۳ -تعریف دیگر: حسامیزی:
- ۷۴ -حسامیزی در قصاید خاقانی:
- ۷۴ تقسیمبندی دیگر اسناد مجازی:
- ۷۴ آسمان و اجرام آسمانی:
- ۸۲ جمادات:
- ۸۶ ایام و ساعاتی از روز:

۸۹	نباتات و حیوانات:
۹۳	انسان و لوازم انسانی:
۹۸	فصلها:
۹۹	سایر موارد:
۱۰۴	استعاره مکنیه:
۱۵۱	فصل دوم:
۱۵۲	مقدمه
۱۵۲	اصطلاح مخاطب روایت
۱۵۴	آسمان و اجرام آسانی:
۱۵۵	جمادات:
۱۵۸	نباتات و حیوانات:
۱۵۹	انسان و لوازم انسانی:
۱۶۳	سایر موارد:
۱۶۶	سخن پایانی:
۱۶۹	کتابنامه:
۱۷۳	منابع اینترنتی:
۱۷۴	منابع لاتین:

افضل الدين بدیل بن علی خاقانی شروانی متخلص به خاقانی در حدود سالهای ۵۱۹ و ۵۲۰ در شهر شروان در خانواده‌ای درودگر به نام استاد علی نجار و مادری مسیحی سطوری که به اسارت از روم آورد شده و بعداً به اسلام گروید پای به عرصه هستی نهاد.

از سوی پدر درودگرم دان	استاد سخن تراوش دوران
و زدگر سو چون خلیل الله درودگزرزاده‌ام	بود خواهر گر عیسی مادر ترسای من
از بر خدا یقین سبکبار	بر مانده‌ی علی بخار

از آنجا که پدر نجار بود پیوسته تلاش میکرد تا پسر نیز به راه او برود. اما هرگز چنین نشد زیرا روح سرکش و درون پرغوغای فرزند با میخ و تخته رام‌شدنی نبود و از این‌رو آرزو پدر که می‌خواست پسر جوان به شغل آبا و اجدادی برود آرزویی محال بود.

در این احوالات و کشمکشهای پدر، فرزند عموی شاعر یعنی کافی الدین عمر بن عثمان که طبیبی حاذق بود و از ریاضت و سایر دانش‌ها آگاهی بسیار داشت با درک استعداد برادرزاده او را در کنف حمایت خود قرار داد و به تربیت وی همت گماشت. خاقانی مدت هفت سال زیر نظر عموی خویش مقدمات لغت، زبان عربی قرآن حکمت و طب و نجوم را فراگرفت اما و زمانی که شاعر در عتفوان جوانی بود چراغ عموی شاعر به تاریکی می‌گرایید او ترا بسیار متأثر و دل شکسته یافت.

شکسته دل‌تر از آن ساغر بلورینم	که در میانه خاراکنی زدست رها
فروغ فکر و صفای ضمیرم از عم بود	چوم عم بمرد آن همه فروغ و صفا

تخلص خاقانی ابتدا (حقایقی) بوده و ظاهراً پس از راه یافتن به دربار خاقان اکبر منوچهر شروانشاه تخلص خاقانی گرفته از تخلص نخستین خود دو مورد در دیوانش یاد کرده

است از جمله:

چون کار به کعبتین عشق افتد شش پنج زنش حقایقی باید

اما لقب دیگری هم داشته و آن (حسان العجم) است و آن را بمناسبت مداحی پیامبر در برابر (حسان العرب) که مداح پیامبر بوده از عمومی دانای خود کافی الدین دریافت کرده است.

چون دید که در سخن تمام حسان عجم نهاد نامم

توفیق خاقانی در آغاز کار شاعری بی گمان مدیون ابوالعلائی گنجوی بود که بعدها دختر خود را نیز به شاعر داد و او را به شروانشاه خاقان اکبر منوچهر بن فریدون بین آنها کدورت ایجاد شد و ابوالعلا در جاهایی اشاره به ناسپاسیهای خاقانی در حق خویش می گوید که البته از آنجاییکه سرشت دنیا به دست دادن از همان دست گرفتن است بعدها مجیر یلقانی شاگرد و فرزند خوانده چنین رفتاری را با خاقانی سالخورده کرد. ابوالعلاء در جایی گلایه خود را چنین بازگو میکند:

چو رغبت نبودت به شاگردی من به تو تحفه زر و صله سیم دادم
کمر مرا به تعلیم و شفقت بیستم زبان تو بر شاعری برگشادم
چو شاعر شدی بردمت نزد خاقان به خاقانیت من لقب بر نهادم
یا در جایی دیگر باز خاقانی را چنین هجو کرده است

عمری به چشم خویشتن از روی مردمی جا دادمش که باشد از اغیار ناپدید
ز آب دیده، نحل قدش پرورش گرفت چندان که هم چو سروگل از ناز سرکشید
چون طفل اشک عاقبت آن شوخ شوخ چشم از چشم برآمد و بر روی من دوید

بهر روی در این کتاب مجال آن نبود که به احوالات و زندگی پراز فراز و فرود خاقانی که همواره با نوش و نیش عجین بوده است پرداخته شود که خود فرصتی دوچندان می طلبد.

اما توضیح اجمالی بدین علت بود که خواننده محترم مختصر آشنایی با زندگی این شاعر گرانقدر پیدا کند . البته در کتاب دیگر که در حال نگارش است و به شرط عمر به زودی به مرحله چاپ خواهد رسید، به زیر و بم و رازناکی این شاعر یگانه ادب فارسی پرداخته ایم . باشد که خداوند منان امکان بیشتر گفتن از فرزندگان کشورمان ، ایران را به ما اعطاء کند.

الخاص ویسی

نادر کریمی راد

رویا نژاد بهبهانی

بهمن ماه ۹۳

www.ketab.ir